



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

چهارشنبه ۱۳ دسمبر ۲۰۲۳

حمید انوری

## کورس الحاکم

درس پنجم

"استاد سخن": محمد آصف فقیری

شاگرد غیبی: خودم

دروس "استاد معظم" را پی میگیریم و میرسیم به درس دیگری از این سلسله. و اما با اجازه "استاد معظم مکرم مفتح مغتنم"، اینبار اندکی از چوکات اصلاح اغلاط املائی و انشائی، خارج شده و تلاش می شود به "فهم سیاسی- فلسفی" نیز اندکی پرداخته آید.

مقاله پنجم - درس پنجم

[ محمد آصف فقیری ۲۰۲۳/۱۰/۱۲ ]

**پدیده حق تا واقع شود - برمیگردد به هنر و رندی سیاست مدار!**

"حق" پدیده نیست و واقع نمی شود، بلکه "حق" یک اصطلاح حقوقی است و گرفته می شود.  
"حق" هیچگاه و هرگز به "هنر" و "رندی" ارتباط ندارد، بلکه به شهادت و دلیری مربوط می شود.  
مثال: در حیطة (حیطه) یک قانون اساسی یا حقوق هم ترامپ و هم بایدن حکومت می کند، اما نه مترادف در شباهت یکدیگر. (!?)

شرح مطلب: ماکیاولی از آنجناب به لقب پیامبر سلحشور یاد می کند و استنتاج مشروعیت به هنر و رندی سیاستمدار می کند (کدام جناب) که گفته (گفته) آنجناب: شهرت نیک و بد شاه، بالای رعیت تاثیر (تأثیر) دارد، یعنی شاه می تواند برای انتظام و نظم عمومی به بعضی هنرها و رندی ها متصل شود. (استاد معظم: در مکیاولیسم "هدف وسیله را توجیه میکند"، این به هیچ وجه به معنی "هنر" و "رندی" نیست. جوانان را به بیراهه رهنمون نشوید. این یعنی یک دیکتاتوری محض.)

سنجش عملکرد زمامدار توسط قانون اساسی و انتقال قدرت به گونه (گونه) مصلحت آمیز یا همانا رای و دریافت رضایت شهروندان (اتباع) از نحوه کارکرد مجری قدرت برمیگردد به هنر ذاتی که ماکیاولی آنرا ویرتو (!؟) گفته و آن در کتب دانشگاه و تجربه (تجربه) دیگران نیست. در بین عوام در افغانستان چون قدرت فردی بنام لنگر مشهورست و آن پدیداری نبوغ است که وی تصرف در مدیریت دارد که حتی یا رب برای وی تفویض کرده و آنرا آن هنری گفت که کدام پدیده را در چی زمان مناسب بکار گیرد (نبوغ و تصرف در مدیریت، آنهم که آنرا رب برای وی تفویض کرده و...، کاملاً عاری از معنی و مفهوم است و هیچ واقعیت هم ندارد. در افغانستان یا به زور قوای مسلح و تفنگ به دست آورده شده و یا هم موروثی بوده است و به هیچ وجه به نبوغ، تصرف در مدیریت، و نیز تفویض از جانب رب، ارتباطی نداشته است. در تمام جهان هم همینگونه بوده است با فرق اینکه بعضاً در بعضی کشورها انتخابات عادلانه صورت گرفته و مردم رهبر خود را آزادانه انتخاب می کنند. از بارگاه الهی چنین "تفویض" مفت و مجانی از آسمان فرو نیآمده است. متأسفانه (متأسفانه) رهبری اعلام موجودیت نمی کند خود را خودش عریان کرده و مردم را مجذوب خود می کند. (این جمله از بیخ و ریشه و به تمام معنی یک جمله نامکمل و نامفهوم و بی معنی است.)

مانند آفتاب و گل آفتاب پرست الحق و الانصاف در بین طالبان با چنین اوصاف کسانی دیده می شود و من نام نمی گیرم زیرا اگر آن هنر و رندی آنها به مشروعیت تمام نشود، پختگی آن هنر پدیدار نمی شود. که در زمان آینده ندامت و افسوس خواهد کردند. البته مال و سیاست چنان تلفیقی ناپذیری ست چون آب و آتش راه زیرا خیلی زیان آور می شود برای مال که در قالب این هنرها و رندی ها پدیدار شوند هر چند وجود باطنی و ظاهریش همچون سیاه و سفید باشد و همین که دیکتاتور می شوند. (هدف نویسنده در لابلای جمله بندی های بی ربط و استفاده از لغات غیر ضروری و نامرتب، نامفهوم بوده و شکل یک معادله چند مجهوله را گرفته است.) نامرتب (نامرتب) در جوامع اسلامی که متون اسلام سریع الهضم است برای زمامداری مال هر عضو از جامعه ناظر با روایات (روایات) دینی می شود و اگر در داخل سرکوب کند در بستر اینترنت این سرکوب به مفهوم خودکشی سیاسی برای خودشان می تواند رقم خورد (جمله نامکمل و در نتیجه غیر مفهوم و بی معنی است. نویسنده باید خود بیاید و هدف خود را از نوشتن چنین جمله واضح سازد).

لازم به تذکر است که سیستم و یا طرز تفکر "ماکیاولی"، امروز در جهان نه تنها دیگر خریداری ندارد، بلکه بسیار هم مورد تنفر مردم است، اما "استاد معظم" ما به شدت و دیده به دانسته آنرا تبلیغ میکند و جهت استتار اهداف "ماکیاولی" خود، آنرا "هنر" و "رندی" نامگذاری میکند.

درس ششم این سلسله، اگر خواست خدا بود، فردا یا پس فردا ادامه خواهد یافت.

"املاي استاد من" يك سر غلط

خط غلط، املا غلط، انشاء غلط